



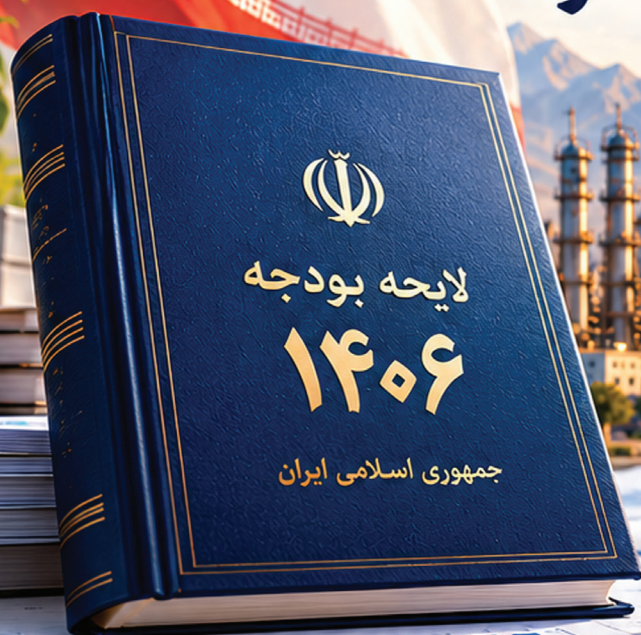
www.seccima.ir

نامه اتاق سمنان

هفته نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان

دوره جدید • شماره ۸، ۹ • شماره ۲ • هفته اول و دوم مهر ماه ۱۴۰۵

بودجه ۱۴۰۶ باید با در نظر گرفتن ظرفیت واقعی اقتصاد، صیانت از تولید و تقویت تاب‌آوری بنگاه‌ها تدوین شود



صنایع تبدیلی
در تنگنای مواد اولیه



تقش بخش خصوصی
در توسعه هوش مصنوعی؛
از شناخت فناوری تا کاربرد صنعتی



آقای استاندار
اختیار (تیک) سامانه
را بگیرید

نامۀ اتاق سمنان

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان

۳

رئیس اتاق بازرگانی سمنان :

بودجه ۱۴۰۶ باید با در نظر گرفتن ظرفیت واقعی اقتصاد ،
صیانت از تولید و تقویت تاب آوری بنگاه ها تدوین شود

۷

گفتگوی روزنامه دنیای اقتصاد با دکتر سعید ترکمان
صنایع تبدیلی در تنگنای مواد اولیه

۸

عبدالحمید دربانیان:

آقای استاندار اختیار (تپک) سامانه را بگیرید.

۹

برگزاری کارگاه تخصصی «مهارت های پیشرفته فروش
در شرایط بحران و بازارهای دشوار» در اتاق بازرگانی سمنان

۱۰

تحلیل تطبیقی عملکرد بخش معدن استان سمنان - قسمت دوم

۱۱

نقش بخش خصوصی در توسعه هوش مصنوعی؛
از شناخت فناوری تا کاربرد صنعتی



سمنان؛
پیوند سرمایه، صنعت و آینده



فهرست



دوره جدید | شماره ۹ و ۱۰ | هفته اول و دوم مهرماه | ۱۴ صفحه



نامۀ اتاق سمنان

هفته نامه اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی
استان سمنان



 www.seccima.ir

 @seccima

 [seccima.ir](https://www.instagram.com/seccima.ir)

 ۰۲۳-۳۱۶۵۱۰۰۰ | ۰۲۳-۳۱۶۵۱۲۰۵



رئیس اتاق بازرگانی سمنان :

بودجه ۱۴۰۶ باید با در نظر گرفتن ظرفیت واقعی اقتصاد، صیانت از تولید و تقویت تاب آوری بنگاه‌ها تدوین شود



در فرآیند تدوین بودجه ۱۴۰۶، مفروضات اقتصادی برنامه با شرایط ویژه امروز کشور تطبیق داده شود.

معماری ادامه داد: ارزیابی مجدد مفروضات اقتصادی و ظرفیت اجرای تکالیف برنامه هفتم، با حفظ اولویت تولید و اشتغال، ضرورتی است که باید از سوی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران مورد توجه قرار گیرد. وی پیشنهاد کرد: در فرآیند تدوین بودجه، «پیوست انطباق برنامه هفتم با شرایط ویژه اقتصادی کشور» مورد توجه قرار گیرد تا مشخص شود احکام برنامه تا چه میزان با واقعیت‌های اقتصادی امروز قابلیت اجرا دارد.

صیانت از ظرفیت تولید؛ اولویت بودجه ۱۴۰۶

رئیس اتاق سمنان با تأکید بر ضرورت جلوگیری از انتقال ناترازی‌های اقتصادی به بخش تولید گفت: حفظ ظرفیت موجود تولید، مقدمه هر برنامه معتبر برای رشد اقتصادی است. اگر ظرفیت تولید از مدار فعالیت خارج شود، بازگرداندن آن هزینه‌بر خواهد بود و اقتصاد ملی نیز آسیب‌پذیرتر می‌شود.

وی با اشاره به مفهوم تاب آوری اقتصادی در بخشنامه بودجه اظهار کرد: اگرچه موضوع تاب آوری در چارچوب بودجه مورد توجه قرار گرفته است، اما هنوز مدل مشخص و عملیاتی برای سنجش و تقویت تاب آوری بنگاه‌ها وجود ندارد و فعالان اقتصادی نسبت به آثار تصمیمات و بخشنامه‌های متعدد و ناگهانی نگرانی دارند.

معماری افزود: بخش خصوصی انتظار ندارد از مسئولیت‌های قانونی خود شانه خالی کند، اما انتظار دارد از تصمیمات و بخشنامه‌هایی که بدون ارزیابی آثار آن‌ها می‌تواند به بنگاه‌ها آسیب وارد کند، جلوگیری شود.

...ادامه در صفحه بعد...

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سمنان و رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران، در نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کهگیلویه و بویراحمد با حضور رؤسای اتاق‌های سراسر کشور، با تأکید بر ضرورت بازنگری در مفروضات اقتصادی برنامه هفتم و بودجه ۱۴۰۶، گفت: بودجه نباید صرفاً سند دخل و خرج دولت تلقی شود، بلکه آثار آن بر نقدینگی بنگاه‌ها، هزینه تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و پایداری درآمدهای آینده کشور باید مورد توجه قرار گیرد.

فرج‌الله معماری در این نشست، ضمن ادای احترام به مردم، فرهنگ و پیشینه تاریخی کهگیلویه و بویراحمد، با اشاره به شرایط ویژه اقتصادی کشور اظهار کرد: شرایط امروز کشور شرایطی خاص است و دولت با محدودیت‌های جدی در آمدی و مجموعه‌ای از فشارهای اقتصادی، نظامی و امنیتی مواجه است؛ از این رو، بخش خصوصی نیز ضرورت درک مشترک میان دولت، مجلس و فعالان اقتصادی را در چنین شرایطی مورد توجه قرار می‌دهد.

وی افزود: مسئله امروز تنها سهم بنگاه‌ها از بودجه نیست، بلکه باید نسبت بودجه کل کشور با توان واقعی اقتصاد ملی مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود تصمیمات بودجه‌ای تا چه میزان می‌تواند ظرفیت تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال کشور را حفظ و تقویت کند.

ضرورت ارزیابی مجدد مفروضات برنامه هفتم

رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران با اشاره به اینکه برنامه هفتم توسعه در شرایط متفاوتی نسبت به وضعیت فعلی تدوین شده است، تصریح کرد: بسیاری از پیش‌فرض‌هایی که در زمان تدوین برنامه هفتم وجود داشت، امروز تغییر کرده است. بنابراین لازم است



رئیس اتاق بازرگانی سمنان:

بودجه ۱۴۰۶ باید با در نظر گرفتن ظرفیت واقعی اقتصاد، صیانت از تولید و تقویت تاب آوری بنگاه‌ها تدوین شود

رئیس اتاق سمنان تصریح کرد: اگر اصلاح قیمت بدون اصلاح بهره‌وری و کاهش اتلاف صورت گیرد، فشار اصلی آن به بنگاه اقتصادی منتقل خواهد شد.

وی با اشاره به ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار گفت: اجرای احکام قانونی باید جامع باشد و نمی‌توان بخشی از احکام را اجرا و بخش دیگری را نادیده گرفت.

مالیات و بیمه؛ ضرورت توجه به توان اقتصادی بنگاه‌ها

معماری در ادامه بر ضرورت ارزیابی آثار احکام مالیاتی و بیمه‌ای بودجه بر نقدینگی، سرمایه‌گذاری و اشتغال تأکید کرد و گفت: درآمد پایدار دولت و صندوق‌های بیمه‌ای به پایداری اقتصاد وابسته است و برای ایجاد درآمد پایدار، ابتدا باید اقتصاد توان ایجاد آن درآمد را داشته باشد.

وی افزود: اگر سیاست‌های درآمدی صرفاً با هدف افزایش درآمد دستگاه‌های اجرایی دنبال شود، اما همزمان بنگاه‌ها از نظر نقدینگی و توان تولیدی تضعیف شوند، در نهایت پایه‌های درآمدی نیز آسیب خواهند دید.

رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران خاطرنشان کرد: هر حکم مالیاتی و بیمه‌ای که در بودجه پیش‌بینی می‌شود باید از منظر آثار آن بر تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و نقدینگی بنگاه‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

بودجه باید اهرمی برای جذب سرمایه بخش خصوصی باشد

معماری یکی دیگر از محورهای مهم سخنان خود را به موضوع سرمایه‌گذاری اختصاص داد و گفت: منابع عمومی دولت محدود است و بودجه زمانی قدرت بیشتری پیدا می‌کند که بتواند سرمایه بخش خصوصی را به حرکت در آورد.

وی اظهار کرد: انتظار داریم منابع عمومی در بودجه ۱۴۰۶ به عنوان اهرمی برای جذب سرمایه بخش خصوصی مورد استفاده قرار گیرد و الگوی مشارکت عمومی و خصوصی صرفاً به تأمین هزینه پروژه‌های عمرانی نیمه تمام محدود نشود.

وی ادامه داد: باید سازوکاری طراحی شود که علاوه بر تأمین مالی، انگیزه و سرمایه بخش خصوصی را برای ورود به پروژه‌های اقتصادی و توسعه‌ای افزایش دهد.



سرمایه در گردش؛ یکی از دغدغه‌های اصلی بنگاه‌ها

وی سرمایه در گردش را یکی از مسائل اساسی بنگاه‌های اقتصادی عنوان کرد و گفت: با توجه به نرخ تورم، فاصله قابل توجهی میان سرمایه در گردش اسمی و سرمایه در گردش واقعی بنگاه‌ها ایجاد شده است.

رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران ادامه داد: سرمایه در گردش فعلی بسیاری از بنگاه‌ها متناسب با نیاز واقعی آن‌ها نیست و همین مسئله باعث شده برخی تجار و واحدهای تولیدی با ظرفیت‌هایی به مراتب پایین‌تر از گذشته فعالیت کنند.

وی تأکید کرد: در برنامه تأمین مالی بودجه ۱۴۰۶ باید نیاز واقعی سرمایه در گردش بنگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد و منابع مالی به نحوی طراحی شود که بتواند استمرار فعالیت واحدهای تولیدی و تجاری را تضمین کند.

اصلاح ناترازی انرژی باید همراه با افزایش بهره‌وری باشد

معماری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به افزایش هزینه عوامل تولید و مشکلات ناشی از ناترازی انرژی گفت: مزیت تولید و مزیت نسبی کشور در بازارهای جهانی تحت تأثیر افزایش شدید قیمت عوامل تولید قرار گرفته است و باید مراقب بود مجموعه سیاست‌ها به تضعیف تولید و صنعت منجر نشود. وی افزود: اصلاح ناترازی انرژی زمانی می‌تواند پایدار باشد که کاهش اتلاف و افزایش بهره‌وری، همزمان با اصلاح قیمت‌ها دنبال شود.

رئیس اتاق بازرگانی سمنان :

بودجه ۱۴۰۶ باید با در نظر گرفتن ظرفیت واقعی اقتصاد ، صیانت از تولید و تقویت تاب آوری بنگاه‌ها تدوین شود

وی افزود: محدودیت‌های ورود کالا، حمل‌ونقل، تخصیص ارز و فرآیندهای گمرکی باید به گونه‌ای مدیریت شود که تولید و تجارت با اختلال مواجهه نشود. رئیس اتاق سمنان تأکید کرد: در شرایط محدودیت منابع، لازم است سازوکار تخصیص ارز و فرآیندهای گمرکی با رویکرد تسهیل تولید و تجارت بازنگری شود.



بودجه ۱۴۰۶؛ بودجه‌ای سناریومحور و متناسب با شرایط ویژه

وی در پایان با تأکید بر ضرورت سناریومحور بودن بودجه ۱۴۰۶ گفت: شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای نیست که بتوان درآمدها و هزینه‌ها را کاملاً مشخص و پایدار فرض کرد.

معماری افزود: بودجه باید بتواند در سناریوهای مختلف، هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر را پوشش دهد و در برابر متغیرهایی مانند تورم، نرخ ارز و تحولات فضای کسب‌وکار انعطاف و قدرت مدیریت داشته باشد. وی در جمع‌بندی سخنان خود، تأمین مالی، سرمایه در گردش، انرژی و بهره‌وری، پایداری درآمدهای دولت، مالیات و بیمه، تأمین ارز، گمرک، مشارکت بخش خصوصی، تفویض اختیار به استان‌ها و ارزیابی آثار تجمعی احکام بودجه را از مهم‌ترین محورهای دانیست که باید در تدوین بودجه سال ۱۴۰۶ مورد توجه قرار گیرد.

رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران خاطر نشان کرد: تصمیمات اقتصادی زمانی می‌توانند اثر بخش باشند که آثار آن‌ها بر بنگاه، فعال اقتصادی و فضای کسب‌وکار پیش از اجرا بررسی شود و بودجه نیز باید به جای افزایش فشار بر ظرفیت‌های موجود، زمینه حفظ تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری را فراهم کند.

معماری در پایان ضمن قدردانی از میزبانی استان کهگیلویه و بویراحمد و مسئولان استانداری و اتاق بازرگانی این استان، ابراز امیدواری کرد برگزاری این نشست‌ها بتواند به تقویت گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی و اتخاذ تصمیمات مؤثر تر برای اقتصاد کشور منجر شود.



تفویض اختیار به استان‌ها؛ شرط حکمرانی مؤثر

رئیس اتاق بازرگانی سمنان در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت افزایش اختیارات استان‌ها تأکید کرد و گفت: اگر قرار است حکمرانی استانی بخشی از مشکلات مدیریتی و اقتصادی را حل کند، باید میان فضای ملی و استانی تفکیک مناسبی ایجاد شود.

معماری افزود: اساتنداناران با رأی اعتماد هیئت دولت منصوب می‌شوند و در صورتی که دولت به مدیران استانی اعتماد دارد، باید در واگذاری اختیارات نیز فضای بیشتری ایجاد شود. وی تأکید کرد: بخش خصوصی در شرایط ویژه اقتصادی نیازمند واکنش سریع و تصمیم‌گیری به‌موقع در استان‌هاست و نباید برای هر مسئله‌ای فرآیند تصمیم‌گیری به مرکز منتقل شود. وی گفت: تمرکززدایی مؤثر به معنای انتقال مسئله از مرکز به استان نیست، بلکه به معنای انتقال اختیار تصمیم‌گیری به محل وقوع مسئله است.

مشارکت بخش خصوصی در فرآیند تدوین بودجه

معماری با تأکید بر اهمیت حضور نمایندگان بخش خصوصی در فرآیند تدوین و ارزیابی بودجه اظهار کرد: مشارکت بخش خصوصی جایگزین اختیار تصمیم‌گیر نیست، اما می‌تواند پشتوانه کارشناسی تصمیمات را تقویت کند. وی افزود: فعالان اقتصادی از نزدیک با آثار تصمیمات سیاستی بر تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری و اشتغال مواجه هستند و حضور آنان در ستاد برنامه و ستاد بودجه می‌تواند اطلاعات دقیق‌تر و به‌روزتری از شرایط واقعی اقتصاد در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد.

ضرورت ارزیابی آثار تجمعی احکام بودجه

رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران با اشاره به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بخش خصوصی گفت: احکام بودجه نباید صرفاً به صورت منفرد ارزیابی شوند؛ بلکه باید آثار تجمعی آن‌ها بر بنگاه اقتصادی نیز مورد بررسی قرار گیرد.



فرج الله معماری
فعال اقتصادی



روایت یک هفته

نگاهی به واقعیت‌های اقتصاد؛ برای فردایی پایدارتر

روایت ۲۸ شهریور تا اول مهر

اقتصاد؛
با اندیشه و وطن،
آینده‌ای ماندنی‌تر است.



بودجه؛ قیمت تصمیم

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز
دوشنبه ۳۰ شهریور

هر حکم بودجه‌ای، علاوه بر اثر مالی بر منابع و مصارف دولت، پیامدهایی فراتر از تراز مالی دولت در اقتصاد برجای می‌گذارد. ممکن است بار مالی یک تصمیم محدود بماند، اما آثار آن از مسیر تغییر قیمت‌های نسبی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، هزینه تأمین مالی و تخصیص منابع، دامنه‌ای گسترده‌تر پیدا کند.

بودجه سال ۱۴۰۶ می‌تواند معیاری تازه به ارزیابی پیشینی احکام بیفزاید؛ قیمت تصمیم را فقط در حساب دولت نسجم؛ اثر آن را در حساب اقتصاد نیز محاسبه کنیم.

می‌توان این معیار را "شناسنامه دوگانه مالی - اقتصادی تصمیم" نامید؛ در یک سوی آن، آثار مستقیم و میان‌مدت هر حکم بر منابع، مصارف، بدهی و تعهدات آتی دولت بررسی شود و در سوی دیگر، پیامدهای آن بر متغیرهای کلان، انگیزه‌های اقتصادی و تخصیص منابع مورد ارزیابی قرار گیرد.

چهره‌سای تصویر در تراز دولت کم‌هزینه جلوه کند، اما هزینه‌ای بزرگ‌تر به اقتصاد تحمیل کند یا برعکس، هزینه‌ای محدود برای دولت، بازدهی اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

رقم بودجه، اثر مالی تصمیم را نشان می‌دهد؛ اما قیمت اقتصادی آن، در پیامدهای تصمیم آشکار می‌شود.

بودجه‌ریزی زمانی به بلوغ می‌رسد که پیش از تصویب هر تصمیم، اثر مالی آن بر دولت و پیامد اقتصادی آن بر کشور را نوامان مورد ارزیابی قرار دهد.



بودجه؛ مرز توان

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز
یکشنبه ۲۹ شهریور

بودجه‌ریزی، پیش از آنکه تقسیم منابع میان دستگاه‌ها باشد، تعیین حدود مداخله مالی دولت در اقتصاد است. منابع برآورد می‌شوند؛ اما هنگامی که تعهدات و مصارف از منابع پایدار فراتر می‌روند، فاصله میان آن‌ها به بدهی و تعهدات آشکار و پنهان منتقل می‌شود.

انتظار از بودجه ۱۴۰۶، افزودن یک قید مهم به این معادله است که هر منبع قابل تأمین، الزاماً منبع قابل اتکا نیست.

مالیات، انتشار بدهی، واگذاری دارایی یا سایر روش‌های تأمین مالی، علاوه بر ارزش اسمی، آثار متفاوتی بر اقتصاد و تعهدات آینده دارند. می‌توان این معیار را "ظرفیت بودجه‌پذیری اقتصاد" نامید؛ مرزی میان نیاز مالی دولت و توان واقعی اقتصاد.

بر این مبنا، سقف مخارج نباید صرفاً تابع امکان تجهیز باشد؛ کیفیت، پایداری و آثار اقتصادی تأمین منابع نیز باید در تعیین آن لحاظ شود. سپس، در محدوده این سقف، اولویت مأموریت‌ها و اثربخشی برنامه‌ها، مبنای تعیین اعتبارات پیشنهادی قرار گیرد.

بودجه پایدار، به وصول منابع آغاز می‌شود؛ اما با پایداری منابع معنا پیدا می‌کند.

اندازه بودجه فقط تابع توان تأمین مالی دولت نباشد؛ "ظرفیت بودجه‌پذیری اقتصاد" نیز حد و مرز آن را تعیین کند.



بودجه؛ نقطه صفر

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز
شنبه ۲۸ شهریور

بودجه‌ریزی سالانه معمولاً از یک پرسش آشنا آغاز می‌شود: اعتبار موجود، سال آینده چقدر تغییر کند؟ شاید بودجه ۱۴۰۶ فرصتی باشد تا پیش از تغییر اعداد، خود پرسش را تغییر دهیم.

انتظار می‌رود در تدوین بخشنامه و سپس لایحه بودجه، بازبینی هزینه‌ها یک گام به عقب‌تر برود؛ پیش از اعتبار، مأموریت بازبینی شود. آیا هر مأموریت همچنان ضرورت دارد؟ باید توسط دولت انجام شود؟ همین دستگاه باید متولی آن باشد؟ آیا مسیر کارآمدتری برای انجام آن وجود ندارد؟

در این نگاه، بودجه سال قبل نقطه عزیمت قطعی سال آینده نیست؛ سابقه برخورداری از اعتبار نیز به‌تنهایی نمی‌تواند مبنای استمرار آن در لایحه سال آینده باشد. بودجه سال ۱۴۰۶ می‌تواند از یک نقطه صفر فکری آغاز شود؛ جایی که هر مأموریت، برنامه و هزینه دوباره در برابر مسئله امروز کشور، کارایی و نتیجه مورد انتظار سنجیده شود.

نقطه صفر بودجه، صفر کردن اعداد نیست؛ صفر کردن پیش‌فرض‌هاست. شاید نخستین گام در بازآزمایی منطق بودجه‌ریزی کشور همین باشد: بودجه را از آنچه تاکنون داشته‌ایم آغاز نکنیم؛ از آنچه واقعاً باید انجام دهیم، آغاز کنیم.



باشگاه اندیشه اقتصاد ایران
www:ietclub.ir



بودجه؛ فراتر از اعتبار

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز
چهارشنبه ۱ مهر

ارزش بودجه عمومی را نمی‌توان تنها با میزان اعتبارات و محل مصرف آن سنجید. هر ریال بودجه، علاوه بر اثر مستقیم، می‌تواند ظرفیتی برای تجهیز منابع غیردولتی و تشکیل سرمایه جدید در اقتصاد ایجاد کند. این ظرفیت، به شیوه طراحی برنامه‌ها و میزان مشارکت بخش خصوصی بستگی دارد.

بودجه سال ۱۴۰۶ می‌تواند معیاری تازه به ارزیابی اعتبارات پیشنهادی بیفزاید؛ از سنجش مقدار اعتبار، به سنجش ضریب اثر بودجه حرکت کنیم.

در این نگاه، برای هر برنامه سرمایه‌گذاری باید روشن شود منابع عمومی چه میزان سرمایه خصوصی، تأمین مالی بازار و مشارکت غیردولتی را فعال می‌کند. می‌توان ضریب اثر بودجه را شاخصی برای سنجش نسبت سرمایه غیردولتی تجهیزشده به اعتبار عمومی به‌کارگرفته‌شده تعریف کرد.

چنین رویکردی، نقش دولت را از تأمین‌کننده مستقیم منابع به تسهیل‌گر و شریک سرمایه‌گذاری توسعه می‌دهد؛ مشروط بر آنکه تعهدات مالی و ریسک‌های مشارکت نیز ارزیابی شوند.

قدرت بودجه، فقط به میزان اعتباری که دولت به کار می‌گیرد وابسته نیست؛ به سرمایه‌ای نیز بستگی دارد که در اقتصاد به حرکت درمی‌آورد.

بودجه ۱۴۰۶ را تنها با اعداد تازه ننویسیم؛ با منطقی تازه برای فعال‌سازی سرمایه کشور تدوین کنیم.



بودجه؛ میراث سال

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز
سه‌شنبه ۳۱ شهریور

بودجه‌ریزی سالانه معمولاً با توازن منابع و مصارف سنجیده می‌شود؛ اما تراز حسابداری یک سال، به‌تنهایی تصویری کامل از وضعیت مالی دولت ارائه نمی‌کند. ممکن است منابع و مصارف در ظاهر متوازن شوند، درحالی‌که بدهی‌ها، تعهدات آتی یا کاهش ارزش دارایی‌های عمومی، بار مالی تازه‌ای به سال‌های بعد منتقل کنند.

بودجه ۱۴۰۶ می‌تواند یک گام فراتر برود؛ به‌جای توقف در تراز سالانه، تغییر خالص ثروت عمومی را نیز مورد ارزیابی قرار دهد.

در این نگاه، پرسش فقط میزان دریافت‌ها و پرداخت‌های دولت نیست؛ باید روشن شود در پایان سال، ارزش دارایی‌های عمومی، حجم بدهی‌ها و تعهدات آینده چه تغییری کرده و مجموع این تغییرات، چه اثری بر وضعیت مالی دولت برجای گذاشته است.

می‌توان برای بودجه، صورت تغییر خالص ثروت عمومی تعریف کرد؛ گزارشی که در کنار تراز منابع و مصارف، تغییر دارایی‌ها، بدهی‌ها و تعهدات آتی را نیز آشکار کند.

تراز بودن بودجه، الزاماً به معنای تراز بودن دولت نیست.

بودجه هم خوب، تنها دخل و خرج یک سال را متوازن نمی‌کند؛ میراث مالی تصمیم‌های امروز برای سال‌های آینده را نیز آشکار می‌سازد.

گفتگوی روزنامه دنیای اقتصاد با دکتر سعید ترکمان

صنایع تبدیلی در تنگنای مواد اولیه



صنایع تبدیلی است و قیمت این محصولات در برخی موارد بیش از ۲۰۰ درصد افزایش یافته است.

این فعال صنعت پلیمر افزود: رشد قیمت مواد اولیه موجب کاهش مصرف در صنایع تبدیلی شده و همین کاهش مصرف تا حدی فشار ناشی از کمبود مواد اولیه را پوشش داده است. با این حال، واحدهای تولیدی همزمان با افزایش قیمت مواد اولیه، با قطعی برق و رشد سایر هزینههای تولید نیز مواجه هستند و روزهای دشواری را پشت سر میگذارند. ترکمان درباره راهکار حمایت از صنایع تبدیلی گفت: بخشی از مشکلات فعلی، از جمله کمبود گاز پتروشیمیها و ناترازی انرژی، در کوتاهمدت قابل حل نیست، اما میتوان با اصلاح شیوه توزیع مواد اولیه، بخشی از فشار بر تولیدکنندگان واقعی را کاهش داد.

او با اشاره به ظرفیت اسمی صنعت پلیمر، افزود: از ابتدای صدور مجوزها، بیش از ۲۸ میلیون تن ظرفیت تولید برای این صنعت ایجاد شده، درحالیکه حتی در بهترین دورهها میزان معاملات قطعی در بورس کالا حدود ۶ میلیون تن بوده است. این فاصله نشان میدهد نظام توزیع مواد اولیه نیازمند بازبینی و بهینهسازی است. وی تاکید کرد: با استفاده از دادههای موجود در وزارت صمت میتوان واحدهای واقعی تولید را شناسایی و توزیع مواد اولیه را هدفمند کرد. این اقدام میتواند از ددرسهای بنگاهها برای خرید مواد اولیه بکاهد و دسترسی تولیدکنندگان واقعی را به مواد مورد نیاز افزایش دهد. چون در شرایط فعلی برخی تولیدکنندگان ناچارند مواد اولیه خود را با هزینه بالا از بازار آزاد تامین کنند که این موضوع مستقیماً قیمت تمامشده تولید را افزایش میدهد.

ترکمان همچنین تسهیل واردات مواد اولیه را ضروری دانست و گفت: تعرفه واردات مواد اولیه مشکل اصلی نیست و آنچه بیشتر اهمیت دارد، تسهیل فرآیند واردات است. واحدهای صنعت پلیمر بخشی از تولید خود را صادر میکنند و میتوان ارز حاصل از صادرات را برای واردات مواد اولیه و ماشینآلات همان صنعت اختصاص داد. این پیشنهاد به معنای درخواست ارز جدید از دولت نیست، بلکه استفاده از ارز صادراتی خود صنعت برای تامین نیازهای تولید است. این پیشنهاد از سوی تشکلهای بخش خصوصی مطرح شده و وزارت صمت نیز تا حدودی با آن موافقت کرده، اما هنوز تسهیل مورد نظر از سوی بانک مرکزی انجام نشده است. ترکمان در نهایت افزود: در نتیجه، برخی مواد اولیه خارجی که واردات آنها برای ادامه فعالیت واحدهای تولیدی ضروری است، با کمبود جدی مواجه شدهاند. او گفت تشکلهای بخش خصوصی آمادگی دارند بر نحوه مصرف ارز صادراتی و اختصاص آن به واردات مواد اولیه و ماشینآلات مورد نیاز صنعت نظارت و با دولت در این زمینه همکاری کنند.

صنایع تبدیلی این روزها با فشار سهگانهای روبه رو شده اند که همزمان هزینه تولید را به شدت افزایش داده و قدرت مانور بنگاهها را محدود کرده است. جهش کم سابقه قیمت مواد بسته بندی شامل قوطی فلزی،

پلاستیک و کارتن، در کنار محدودیتهای مکرر انرژی و کمبود شدید نقدینگی، شرایطی ایجاد کرده که بسیاری از واحدهای تولیدی با ظرفیت بسیار پایینتر از توان اسمی خود فعالیت میکنند. بر اساس گزارشهای مرکز آمار، تورم نقطه به نقطه تولیدکننده در صنایع مرتبط با مواد شیمیایی، پلاستیک و کاغذ در بهار امسال به ارقام بالای ۱۲۰ تا ۱۶۰ درصد رسیده است. این افزایش مستقیماً روی قیمت تمام شده محصولات تبدیلی از جمله مواد پتروشیمی و غذایی و کشاورزی اثر گذاشته و حاشیه سود واحدها را به حداقل رسانده است.

محدودیتهای انرژی نیز فشار دیگری بر این صنایع وارد کرده است. بسیاری از واحدهای تبدیلی که نیاز به فرآیندهای حرارتی و سرمایشی مداوم دارند، در فصول مختلف سال با افت فشار گاز یا قطعی برق مواجه میشوند. این اختلالها علاوه بر کاهش تولید، هزینه نگهداری تجهیزات و ضایعات مواد اولیه را نیز بالا میبرد. کمبود نقدینگی حلقه سوم این فشار است. تاخیر در وصول مطالبات از شبکه توزیع، سختگیری بانکها در اعطای تسهیلات و افزایش هزینه تامین مالی باعث شده بسیاری از بنگاههای متوسط و کوچک نتوانند مواد اولیه را به موقع تامین کنند یا تعهدات صادراتی خود را انجام دهند. نتیجه این شرایط، کاهش ظرفیت عملیاتی، تعدیل نیروی کار و در برخی موارد توقف موقت خطوط تولید بوده است.

سعید ترکمان، فعال حوزه پتروشیمی و پلیمر، نیز در گفتوگو با «دنیای اقتصاد» از کاهش عرضه مواد اولیه صنایع تبدیلی در بورس کالا خبر داد و گفت: از ابتدای سال تاکنون، بهطور میانگین حدود ۳۰ درصد کاهش در عرضه و معاملات مواد پتروشیمی که یکی از نهادهای صنایع تبدیلی محسوب میشوند، مشاهده شده است. این میزان کاهش در میزان تولید هم اثر گذاشته و باعث شده نسبت به مدت مشابه ۳۰ درصد تولید در این بخش هم کاهش یابد. ترکمان، با بیان اینکه در بخش مواد اولیه وارداتی نیز تولیدکنندگان با مشکلاتی مواجه هستند، اضافه کرد: برخی مواد و مکملهای مورد نیاز صنعت باید از خارج تامین شود، اما محدودیتهای موجود در فرآیند واردات دسترسی به بخشی از این مواد را دشوار کرده است. همچنین افزایش شدید قیمت پلیمرها یکی دیگر از عوامل فشار بر



آقای استاندار اختیار (تیک) سامانه را بگیرید.

شما در هر جلسات، کارگروه‌ها، کمیسیون‌ها از مدیران می‌خواهید اولویت خدمت به مردم باشد و هر جا با مشکل پیدا کردید که در اختیار استان هم نباشد بنویسید بنده دستور دادم و مسئولیت را هم پذیرا می‌شوید متأسفانه هیچ مدیری اختیار سامانه‌ها را ندارد. به عبارتی مدیر در خدمت سامانه هاست نه سامانه‌ها در اختیار مدیر دیگر مسئولیت‌ها در ادارات مشخص نیست یک جمله همه را راحت کرده (من کاری نمی‌توانم انجام دهم سامانه اجازه نمی‌دهد) حالا اگر استاندار هم نامه نوشته باشد بنده نمی‌توانم انجام بدهم چون سامانه اجازه نمی‌دهد.

در گذشته وقتی پرونده‌ها سستی بود ارباب رجوع وقتی وارد اداره یا بانکی می‌شد مشخص بود چه کسی پرونده را در اختیار دارد هم چهره کارمند هم پرونده را در روبروی خود می‌دید و در صورتی که کارش به امروز و فردا کشیده می‌شد می‌دانست باید مسئولیت را از چه کسی بخواهد تا امروزه فقط پشت صفحه نمایش را می‌بیند نه چهره کارمند دیده می‌شود نه از پرونده خبری هست فقط چند جمله (سامانه قطع شده) و (در حال بررسی) و (نمی‌شود سامانه اجازه نمی‌دهد) و مشخص نیست برای پیگیری باید چه کسی مراجعه کند.

جناب آقای کولیوند استاندار محترم سمنان سامانه باید در اختیار جنابعالی به عنوان مسئول ارسد استان یا مدیران ارشد باشد تا بتواند در مواقعی که استثناء به وجود آید (تیک) سامانه را بزند یا به مدیر ارشد کتباً دستور دهد. با قبول مسئولیت و ثبت دلیل و برهان برای حل مشکل به سامانه دسترسی داشته باشد.

لذا خواهشمند است به هر طریق ممکن در مواقع خاص علی‌الخصوص در این برهه از زبان که هم جنگ است و هم تحریم برای حل مشکل اختیار سامانه‌ها را بگیرید و مجری دستورات و محدودیت‌های تعریف شده سامانه‌ها نباشید.

بطور کلی در خاتمه مدیران نباید در اختیار سامانه باشند بلکه سامانه‌ها باید در چارچوب قانون به شفافیت و پاسخگویی در اختیار مدیران باشند.

(سامانه تصمیم‌یار است نه تصمیم‌گیر، مدیر تصمیم‌گیرنده است سامانه باید ثبت کند، کنترل کنند و پشتیبان تصمیم باشد.

روزی که در جلسه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید جناب آقای دکتر کولیوند خبر خوش گرفتن اختیار کامل در سطوح استان را از ریاست جمهور دریافت گردیده بود اعلام کردند همه مدیران دولتی و ما



بخش خصوصی خوشحال شدیم که دیگر به مرکز کاری نداریم و الحق و انصاف وقتی هنوز آقای استاندار محترم این اختیار نگرفته بود با خودت و جرات و مدیریت عالی به همه مدیران اعلام می‌کرد هر موردی که به مرکز مربوط می‌شود را شما انجام بدهید و مسئولیت آن را قبول می‌کنم به عبارتی همیشه سینه خودش را به مدیران خودش می‌کرد حال که این اختیار است ریاست جمهور را گرفته و دیگر هیچ سدی نمی‌تواند در هیچ مدیری دولتی یا مدیران بانک‌ها وجود داشته باشد. البته بنده همان لحظه یک کلمه ای گفتم برای استاندار اگر بشه آن تیک سامانه‌ها را بگیرید همه چی حل می‌شود شاید آن روز کسی به این جمله توجهی نکرد اما امروزه در حالیکه همه مردم اعم از بخش دولتی و خصوصی در همه ابعاد با گسترش فناوری اطلاعات و توسعه خدمات الکترونیکی شده بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی روزه مردم شده و در همه خدمات اعم از بانکی - اداری - خرید اینترنتی - قبوض - ثبت نام دانشگاه و..

هر چه بطور مستقیم و غیر مستقیم با سامانه‌ها ارتباط پیدا کرده اند حال اینکه آیا زیرساخت‌ها آماده این حجم از توسعه و پیشرفت خدمات الکترونیکی در همه کشور چه شهری چه روستایی بوده یا نه جای بحث و بررسی دارد (اما چالش‌های مربوط به سامانه‌ها) جمله‌های زیر برای همه آشناست:

(سامانه قطع شده)، (سامانه در حال بررسی است) و (جواب از سامانه دیگر قرار بوده بیاید نیامده) در این پاسخ‌ها چه کسی جوابگو باید باشد مشخص نیست از چه طریقی باید پیگیری کرد مشخص نیست، مسئولیت با چه کسی هست مشخص نیست.

جناب آقای دکتر کولیوند استاندار محترم سمنان

دیدار مدیرکل فناوری اطلاعات با نایب رئیس اتاق سمنان؛ تأکید بر توسعه همکاری های فناوری در اتاق سمنان



نعیمی صدیق، مدیرکل فناوری اطلاعات و ارتباطات، با حضور در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان با علی اصغر جمعه ای، نایب رئیس اتاق بازرگانی سمنان، دیدار و گفت و گو کرد.

در این دیدار، ظرفیت های موجود برای گسترش همکاری میان مجموعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و اتاق بازرگانی سمنان مورد بررسی قرار گرفت و بر نقش فناوری های نوین در تسهیل فعالیت های اقتصادی، ارتقای کیفیت خدمات و تسریع فرآیندهای مرتبط با فعالان بخش خصوصی تأکید شد.

علی اصغر جمعه ای، نایب رئیس اتاق بازرگانی سمنان، نیز با اشاره به اهمیت توسعه زیرساخت های فناوری و ارتباطات در مسیر تحول اقتصادی، بر ضرورت تقویت ارتباط میان دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی تأکید کرد و بهره گیری از ظرفیت های فناوری اطلاعات را زمینه ساز ارائه خدمات مطلوب تر به فعالان اقتصادی دانست.

در ادامه، دو طرف درباره راهکارهای تقویت تعاملات، استفاده از ظرفیت های مشترک و فراهم کردن بستر مناسب برای توسعه خدمات دیجیتال و هوشمندسازی فرآیندهای مرتبط با حوزه کسب و کار گفت و گو کردند.

این دیدار در راستای تقویت تعامل میان بخش دولتی و بخش خصوصی و با هدف استفاده از ظرفیت های فناوری اطلاعات و ارتباطات برای حمایت از فعالان اقتصادی و کمک به توسعه فضای کسب و کار استان سمنان انجام شد.

برگزاری کارگاه تخصصی

«مهارت های پیشرفته فروش در شرایط بحران و بازارهای دشوار»



کارگاه تخصصی «مهارت های پیشرفته فروش در شرایط بحران و بازارهای دشوار» با تدریس دکتر احسان آذرنیک، از مدرسان و متخصصان حوزه فروش و بازاریابی، در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان برگزار شد.

این کارگاه با هدف ارتقای مهارت های حرفه ای فروش، افزایش توانمندی فعالان اقتصادی و ارائه راهکارهای عملی برای مدیریت چالش های فروش در شرایط بحرانی و بازارهای دشوار برگزار شد و شرکت کنندگان با مجموعه ای از تکنیک ها و رویکردهای کاربردی برای حفظ و توسعه فروش در شرایط متغیر بازار آشنا شدند.

در این دوره، موضوعاتی همچون تشخیص بحران فروش و شناسایی نشت در آمد، مدیریت و اولویت بندی فرصت های فروش، کشف حرفه ای نیاز مشتری، هدایت مؤثر گفت و گوی فروش، فروش مبتنی بر ارزش و طراحی پیشنهاد های اثرگذار مورد بررسی قرار گرفت.

این کارگاه با رویکردی کاربردی، سناریو محور و مبتنی بر مسائل واقعی کسب و کارها برگزار شد و تلاش شد مفاهیم و تکنیک های ارائه شده، قابلیت استفاده مستقیم در فرآیندهای روزمره فروش و مذاکره را داشته باشند.

در بخش عملی کارگاه نیز شرکت کنندگان با استفاده از مباحث مطرح شده، به حل یک نمونه واقعی و تمرین عملی تکنیک های فروش پرداختند و آموخته های خود را در قالب یک سناریوی کاربردی به کار گرفتند.

برگزاری این دوره در راستای برنامه های آموزشی اتاق بازرگانی سمنان برای توانمندسازی فعالان اقتصادی، ارتقای مهارت های مدیریتی و تخصصی و کمک به افزایش تاب آوری کسب و کارها در شرایط متغیر اقتصادی و بازار انجام شد.



تحلیل تطبیقی عملکرد بخش معدن استان سمنان



محمد رضا قادری

واقعیت تمایز قائل شد: ظرفیت معدنی، مقیاس فعالیت و عملکرد اقتصادی. ظرفیت معدنی بیانگر امکان بالقوه بهره‌برداری از منابع است؛ مقیاس فعالیت نشان‌دهنده میزان بالفعل شدن این ظرفیت در قالب واحدهای معدنی و تولید فیزیکی است؛ و عملکرد اقتصادی بیان می‌کند که این فعالیت تا چه اندازه توانسته است منابع و عوامل تولید به کار گرفته شده را به ارزش اقتصادی تبدیل کند.

این تمایز مهم، نقطه عزیمت پژوهش حاضر است. در این پژوهش، تعداد معادن فعال و مقدار تولید به عنوان شاخص‌های مهم مقیاس فعالیت حفظ می‌شوند، اما ارزیابی جایگاه استان سمنان صرفاً بر مبنای این شاخص‌ها انجام نمی‌گیرد. در کنار آنها، ارزش تولید، ارزش افزوده، اشتغال و دستمزد و به ویژه شاخص‌های ارزش افزوده به ازای هر معدن و ارزش افزوده به ازای هر شاغل مورد توجه قرار می‌گیرند تا رابطه میان «گسترده‌گی فعالیت» و «شدت ارزش‌آفرینی» قابل بررسی شوند. استان سمنان نمونه معناداری برای بررسی این مسئله فراهم می‌کند. این استان از نظر گسترده‌گی شبکه معدنی در زمره استان‌های مهم کشور قرار دارد و در سال ۱۴۰۲ با ۴۲۳ معدن فعال، رتبه سوم کشور از نظر تعداد معادن فعال را به خود اختصاص داده است. این جایگاه، مقیاس بالای فعالیت معدنی استان را نشان می‌دهد؛ اما به تنهایی درباره کیفیت اقتصادی این فعالیت و میزان ارزش ایجاد شده در سطح هر واحد یا هر نیروی انسانی اطلاعات کافی ارائه نمی‌کند. بررسی شاخص‌های عملکردی نشان می‌دهد که در همین سال، ارزش افزوده بخش معدن استان حدود ۲۴۴۳۶ میلیارد ریال و تعداد شاغلان آن ۵۱۸۲ نفر بوده است. بر این اساس، ارزش افزوده به ازای هر معدن حدود ۵۷/۸ میلیارد ریال و ارزش افزوده به ازای هر شاغل حدود ۴/۷۲ میلیارد ریال بوده که به ترتیب حدود ۵۱ درصد و ۵۷ درصد میانه استان‌های کشور است.

در نتیجه، میان جایگاه استان سمنان در شاخص‌های مقیاس فعالیت و جایگاه آن در شاخص‌های ارزش‌آفرینی واحدی، هم‌ترازی کامل مشاهده نمی‌شود. این مشاهده، نه به معنای ناکارآمدی مطلق بخش معدن و نه به معنای وجود یک علت واحد برای این فاصله است؛ بلکه نشان‌دهنده وجود یک مسئله عملکردی قابل بررسی است؛ چرا گسترده‌گی قابل توجه شبکه معدنی استان به سطح متناظری از ارزش‌آفرینی در سطح معدن و نیروی انسانی منجر

نشده است؟ ... ادامه دارد

منابع معدنی از مهم‌ترین اشکال سرمایه طبیعی در شکل‌دهی به ظرفیت‌های تولیدی و ساختار فضایی اقتصاد محسوب می‌شوند. فعالیت معدنی، علاوه بر ایجاد تولید و درآمد مستقیم، می‌تواند از طریق ایجاد تقاضا برای سرمایه، نیروی انسانی، خدمات تخصصی، تجهیزات، حمل‌ونقل و فعالیت‌های فرآوری، مجموعه‌ای

از پیوندهای پیشین و پسین را در اقتصاد منطقه شکل دهند. با این حال، رابطه میان برخورداری از منابع معدنی، گسترش فعالیت استخراجی و تحقق توسعه اقتصادی، رابطه‌ای خطی و خودکار نیست. آنچه از منظر توسعه منطقه‌ای اهمیت دارد، صرفاً میزان منابع یا حجم استخراج نیست؛ بلکه ظرفیت اقتصاد منطقه برای تبدیل منابع و فعالیت استخراجی به ارزش افزوده، بهره‌وری، قابلیت‌های تولیدی و پیوندهای پایدار اقتصادی است.

از این منظر، ارزیابی عملکرد بخش معدن مستلزم عبور از یک تلقی صرفاً «منبع‌محور» و حرکت به سوی یک تلقی «عملکردمحور» است. در رویکرد منبع‌محور، تعداد معادن، ظرفیت استخراج و مقدار تولید، مهم‌ترین نشانه‌های توسعه فعالیت معدنی تلقی می‌شوند؛ در حالی که در رویکرد عملکردمحور، این شاخص‌ها تنها بخشی از زنجیره ارزیابی را تشکیل می‌دهند و باید در کنار شاخص‌های ارزش‌آفرینی و بهره‌وری تحلیل شوند. به بیان دیگر، بزرگی بخش معدن و کارآمدی اقتصادی آن دو مفهوم هم‌معنا نیستند. اهمیت این تمایز از آنجا ناشی می‌شود که یک شبکه معدنی گسترده می‌تواند از تعداد زیادی واحد با مقیاس‌های عملیاتی متفاوت تشکیل شده باشد. در چنین ساختاری، افزایش تعداد واحدهای فعال الزاماً به افزایش متناسب ارزش افزوده یا ارزش اقتصادی ایجاد شده منجر نخواهد شد. مقیاس محدود برخی واحدها، شدت سرمایه متفاوت، کیفیت و ترکیب ذخایر، فناوری استخراج، وضعیت ماشین‌آلات، مهارت نیروی انسانی، هزینه‌های تولید، دسترسی به بازار و میزان اتصال فعالیت معدنی به سایر حلقه‌های زنجیره ارزش، همگی می‌توانند بر میزان ارزشی که از یک ظرفیت معدنی بالفعل می‌شود اثرگذار باشند.

بنابراین، در تحلیل اقتصادی بخش معدن باید میان سه سطح از

رضا عباسی - دبیر کمیته هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سمنان

نقش بخش خصوصی در توسعه هوش مصنوعی؛ از شناخت فناوری تا کاربرد صنعتی



محدود در حوزه کنترل کیفیت، تحلیل داده تولید، پیش‌بینی خرابی یا بهینه‌سازی یکی از فرایندهای کارخانه می‌تواند نقطه شروع مناسبی باشد. اجرای موفق چنین پروژه‌هایی چند نتیجه مهم به همراه دارد: سازمان تجربه عملی کسب می‌کند، مدیران شناخت واقعی‌تری از ظرفیت فناوری به دست می‌آورند، زیرساخت داده به تدریج شکل می‌گیرد و آثار اقتصادی پروژه قابل ارزیابی می‌شود.

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین آثار اجرای پروژه‌های کوچک و موفق، کاهش مقاومت سازمانی در برابر تغییر است. هوشمندسازی صرفاً یک موضوع فنی نیست و بدون همراهی مدیران، کارشناسان و کارکنان یک سازمان به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. زمانی که کارکنان به صورت عملی مشاهده کنند که فناوری قرار است بخشی از مسائل روزمره آنان را حل کند و کیفیت تصمیم‌گیری و عملکرد را افزایش دهد، پذیرش فناوری نیز در سازمان افزایش پیدا خواهد کرد.

آموزش‌های کوتاه، کاربردی و مهارت‌محور

توسعه سرمایه انسانی یکی دیگر از الزامات ورود صنایع به حوزه هوش مصنوعی است، اما در این حوزه نیز باید میان آموزش دانشگاهی و آموزش موردنیاز صنعت تمایز قائل شد. برای بخش قابل توجهی از مدیران، کارشناسان و کارکنان صنایع، دوره‌های کوتاه، کاربردی و مهارت‌محور می‌توانند اثربخشی بیشتری داشته باشند. هدف این دوره‌ها الزاماً تربیت متخصص یادگیری ماشین یا برنامه‌نویس هوش مصنوعی نیست؛ بلکه باید افراد را قادر سازد مسائل قابل حل با هوش مصنوعی را شناسایی کنند، با داده‌های موردنیاز پروژه‌ها آشنا شوند، محدودیت‌های فناوری را بشناسند و بتوانند با شرکت‌های فناور، دانشگاه‌ها و تیم‌های تخصصی ارتباط مؤثرتری برقرار کنند. در واقع ایجاد «سواد هوش مصنوعی» در سازمان‌ها باید پیش از اجرای گسترده پروژه‌های هوشمندسازی مورد توجه قرار گیرد.

هوش مصنوعی در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین محورهای تحول فناوری و اقتصادی در جهان تبدیل شده است. با این حال، توسعه واقعی هوش مصنوعی صرفاً با گسترش ابزارهای عمومی، ایجاد زیرساخت‌های فناورانه یا افزایش تعداد رویدادها و دوره‌های آموزشی محقق نمی‌شود. نقطه اثرگذاری این فناوری زمانی است که هوش مصنوعی وارد فرایندهای واقعی بنگاه‌های اقتصادی شود و بتواند در افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه، بهبود کیفیت، کاهش ضایعات، تصمیم‌گیری بهتر و توسعه محصولات و خدمات جدید نقش ایفا کند.

از این منظر، بخش خصوصی و به‌ویژه صنایع کشور یکی از مهم‌ترین بازیگران توسعه کاربردی هوش مصنوعی محسوب می‌شوند. اگر صنعت به مصرف‌کننده و بهره‌بردار واقعی فناوری تبدیل نشود، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های صورت‌گرفته در حوزه هوش مصنوعی در سطح آموزش، پژوهش و ارائه ابزار باقی خواهد ماند و الزاماً به خلق ارزش اقتصادی منجر نخواهد شد.

هوشمندسازی باید از مسئله واقعی صنعت آغاز شود

یکی از چالش‌های موجود در مسیر توسعه هوش مصنوعی، نگاه فناورمحور به جای مسئله‌محور است. در بسیاری از موارد ابتدا یک فناوری یا ابزار معرفی می‌شود و سپس تلاش می‌کنیم برای آن کاربردی در سازمان پیدا کنیم؛ در حالی که مسیر منطقی باید برعکس باشد. ابتدا باید مسائل، گلوگاه‌ها و نیازهای واقعی یک واحد صنعتی شناسایی شوند و سپس بررسی شود که هوش مصنوعی، تحلیل داده، بینایی ماشین، یادگیری ماشین، اتوماسیون یا سایر فناوری‌های دیجیتال چگونه می‌توانند به حل آن مسئله کمک کنند.

کنترل کیفیت محصولات، پیش‌بینی خرابی تجهیزات، نگهداری و تعمیرات پیش‌بینانه، بهینه‌سازی مصرف انرژی، برنامه‌ریزی تولید، کنترل موجودی، پیش‌بینی تقاضا، کاهش ضایعات، بهینه‌سازی پارامترهای فرایندی و تحلیل داده‌های تولید تنها بخشی از حوزه‌هایی هستند که قابلیت تعریف پروژه‌های کاربردی هوش مصنوعی در صنایع را دارند. بنابراین نخستین گام در هوشمندسازی صنعت، «خرید ابزار هوش مصنوعی» نیست؛ بلکه تعریف دقیق مسئله و ایجاد یک فرایند مسئله‌یابی در سازمان است.

پروژه‌های کوچک، نقطه شروع هوشمندسازی صنایع یکی دیگر از موضوعات مهم، نحوه ورود سازمان‌ها به فرایند هوشمندسازی است. انتظار اینکه یک مجموعه صنعتی از همان ابتدا وارد پروژه‌های بزرگ، پیچیده و پرهزینه تحول دیجیتال یا هوش مصنوعی شود، در بسیاری از موارد واقع‌بینانه نیست. بهتر است صنایع فرایند هوشمندسازی خود را با پروژه‌های کوچک، مشخص و دارای خروجی قابل اندازه‌گیری آغاز کنند. یک پروژه



نقش بخش خصوصی در توسعه هوش مصنوعی؛ از شناخت فناوری تا کاربرد صنعتی



تشکل‌ها می‌توانند در چند حوزه نقش‌آفرینی کنند: نیازسنجی و احصای مسائل صنایع، اولویت‌بندی حوزه‌های کاربرد هوش مصنوعی، ایجاد ارتباط میان صنایع و شرکت‌های فناوری، طراحی آموزش‌های تخصصی، انتشار تجربه پروژه‌های موفق و ارائه پیشنهادهای اجرایی و راهبردی بر مبنای مسائل واقعی بخش خصوصی. در چنین ساختاری، نقش تشکل‌ها اجرای مستقیم همه پروژه‌های هوش مصنوعی نیست؛ بلکه شکل‌دهی به زیست‌بومی است که در آن نیاز، فناوری، سرمایه، دانش و بازار بتوانند یکدیگر را پیدا کنند.

بخش خصوصی؛ حلقه تبدیل فناوری به ارزش اقتصادی

توسعه هوش مصنوعی زمانی می‌تواند به یکی از پیشران‌های اقتصادی کشور تبدیل شود که بخش خصوصی جایگاهی محوری در آن داشته باشد. دولت، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در توسعه زیرساخت، تربیت نیروی انسانی و پیشبرد فناوری نقش مهمی دارند؛ اما نقطه تبدیل دانش و فناوری به ارزش اقتصادی، عمدتاً در بنگاه‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. برای تحقق این هدف، لازم است تمرکز از «صرفاً صحبت درباره ظرفیت‌های هوش مصنوعی» به سمت «تعریف و اجرای پروژه‌های واقعی» حرکت کند. اگر صنایع بتوانند با پروژه‌های کوچک آغاز کنند، داده‌های خود را سامان دهند، نیروی انسانی خود را آموزش دهند و مسائل واقعی خود را در اختیار زیست‌بوم فناوری قرار دهند، به تدریج زمینه شکل‌گیری پروژه‌های بزرگ‌تر و عمیق‌تر هوشمندسازی نیز فراهم خواهد شد. در نهایت، موفقیت هوش مصنوعی در صنعت را نباید با تعداد ابزارهای مورد استفاده، دوره‌های برگزار شده یا رویدادهای مرتبط سنجید. معیار اصلی باید میزان مسئله‌ای باشد که حل شده، بهره‌وری‌ای که افزایش یافته، هزینه‌ای که کاهش پیدا کرده و ارزشی که برای بنگاه اقتصادی و اقتصاد کشور ایجاد شده است.

مدیران باید با ادبیات هوش مصنوعی کاربردی آشنا شوند

یکی از موضوعات مهم در این حوزه، آشنایی مدیران واحدهای صنعتی با ادبیات واقعی و کاربردی هوش مصنوعی است. امروزه با گسترش ابزارهای هوش مصنوعی مولد، گاهی استفاده از یک ابزار عمومی یا دستیار هوشمند با «هوشمندسازی سازمان» اشتباه گرفته می‌شود. این در حالی است که استفاده از ابزارهای عمومی هوش مصنوعی، هرچند می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری فردی شود، به تنهایی به معنای هوشمندسازی یک فرایند صنعتی یا یک سازمان نیست.

هوشمندسازی زمانی اتفاق می‌افتد که داده‌های سازمان جمع‌آوری و ساختارمند شوند، فرایندها مورد تحلیل قرار گیرند، مسئله مشخصی تعریف شود و یک راهکار فناورانه متناسب با همان مسئله طراحی و در فرایند واقعی سازمان مستقر شود. بنابراین مدیران باید بتوانند میان «استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی» و «پیاده‌سازی راهکار هوشمند در سازمان» تمایز قائل شوند. ایجاد چنین شناختی از شکل‌گیری انتظارات غیرواقعی از فناوری جلوگیری کرده و تصمیم‌گیری درخصوص سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی را نیز منطقی‌تر می‌کند.

نیازسنجی هوش مصنوعی باید از صنایع شکل گیرد

یکی از مؤلفه‌های اساسی در توسعه هوش مصنوعی کشور، شکل‌گیری یک نظام واقعی برای شناسایی نیازهای صنعتی است. نمی‌توان اولویت‌های هوش مصنوعی در صنعت را صرفاً از بیرون صنعت تعیین کرد. هر صنعت، و حتی هر بنگاه اقتصادی، دارای ساختار تولید، داده، تجهیزات، مشکلات و اولویت‌های متفاوتی است. به همین دلیل باید سازوکاری ایجاد شود که مسائل و نیازهای فناوری مستقیماً از واحدهای صنعتی جمع‌آوری شده و پس از دسته‌بندی و تحلیل، به پروژه‌های قابل اجرا تبدیل شوند. چنین مدلی می‌تواند ارتباط میان «صنعت دارای مسئله» و «شرکت فناور یا دانشگاه دارای راه‌حل» را تقویت کند و از اجرای پروژه‌های پژوهشی یا فناورانه‌ای که ارتباط محدودی با نیاز واقعی بازار دارند، بکاهد.

نقش تشکل‌های بخش خصوصی در توسعه هوش مصنوعی

در این میان، اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های تخصصی و تشکل‌های صنعتی می‌توانند نقش مهمی در ایجاد این ارتباط ایفا کنند. تشکل‌ها به دلیل ارتباط مستقیم و مستمر با بنگاه‌های اقتصادی، ظرفیت مناسبی برای جمع‌آوری و تجمیع نیازهای صنایع دارند. بسیاری از مسائل یک بنگاه ممکن است در ده‌ها یا صدها واحد صنعتی دیگر نیز وجود داشته باشد و شناسایی این مسائل مشترک می‌تواند زمینه تعریف پروژه‌های بزرگ‌تر و حتی راهکارهای قابل تعمیم در سطح یک صنعت را فراهم کند.



اقتصاد؛
با اندیشه و وطن،
آینده‌ای ماندنی‌تر است.

روایت یک هفته

نگاهی به واقعیت‌های اقتصاد؛ برای فردایی پایدارتر

۴ مهر تا ۸ مهر

فرج الله معماری
فعال اقتصادی



سیاست گذار؛
تصمیم تا اثر

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز

دوشنبه ۶ مهرماه ۱۴۰۵

اگر در گفت‌وگوی اقتصادی، نسخه بر تشخیص و در اتاق ایران، نسخه بر مطالبه تقدم پیدا می‌کند، در سیاست‌گذاری نیز باید سازوکار اثر بر ابلاغ تصمیم مقدم شود. سیاست اقتصادی با صدور حکم کامل نمی‌شود؛ باید از همان ابتدا روشن کند تصمیم از چه کانالی اثر می‌گذارد، چگونه پایش می‌شود و بازخورد اجرا از چه مسیری به اصلاح تصمیم، ابزار، مقرر یا در صورت ضرورت، قانون بازمی‌گردد.

هر مداخله سیاستی، پیش از اجرا، به "شناسنامه سیاست" نیاز دارد؛ شناسنامه‌ای که هدف کمی، ابزار مداخله، کانال انتقال اثر، متولی اجرا، تقسیم مسئولیت، الزامات حقوقی، آثار توزیعی، ریسک‌های جانبی و شاخص ارزیابی نتیجه را مشخص کند.

در این نگاه، سیاست‌گذاری از "صدور تصمیم" به "طراحی چرخه اثر" ارتقا می‌یابد؛ چرخه‌ای که ارزیابی پیشینی، پایش اجرا، دریافت بازخورد و اصلاح مسیر را به یک فرآیند پیوسته تبدیل می‌کند.

در شرایط ویژه، کیفیت سیاست‌گذاری را نمی‌توان با تعداد مصوبات سنجید؛ باید آن را با فاصله میان هدف اعلام‌شده و نتیجه قابل اندازه‌گیری ارزیابی کرد.

تصمیم زمانی به سیاست تبدیل می‌شود که مسیر اثر، سازوکار بازخورد و امکان اصلاح آن، پیش از اجرا تعریف شود.



اتاق ایران؛
نسخه، سپس مطالبه

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز

یکشنبه ۵ مهرماه ۱۴۰۵

اگر در گفت‌وگوی اقتصادی، نسخه باید بر بازگویی تشخیص تقدم پیدا کند، در اتاق بازگانی ایران نیز نسخه باید بر مطالبه مقدم شود. این جابه‌جایی، صرفاً تغییر در ترتیب بیان نیست؛ بلکه بازتعریف مأموریت نهادهی اتاق از انتقال مسئله به طراحی راه‌حل است.

نمابندگی بخش خصوصی زمانی به اثرگذاری در فرآیند سیاست‌گذاری می‌رسد که تجربه بنگاه به داده تبدیل شود، داده به تحلیل برسد، تحلیل به پیشنهاد سیاستی صورت‌بندی شود و پیشنهاد، با ارزیابی پیشینی آثار، برآورد هزینه و منفعت، الزامات حقوقی، سازوکار اجرا، توالی اقدام و شاخص سنجش نتیجه همراه شود.

مطالبه بدون نسخه، بازتاب مسئله است؛ نسخه پیش از مطالبه، آغاز مداخله مؤثر در فرآیند تصمیم‌سازی است.

چنین مأموریتی، بازآرایی ظرفیت نهادهی اتاق ایران را ایجاب می‌کند؛ به گونه‌ای که توان کارشناسی کمیسیونها و مراکز پژوهشی تعمیق یابد، دسترسی به داده توسعه پیدا کند، شبکه‌ای پایدار با دانشگاه‌ها و خبرگان شکل گیرد، ظرفیت حقوقی و ارزیابی سیاست تقویت شود و ساختار مدیریتی و اجرایی نیز برای پیگیری نتیجه بازطراحی شود.

اما این الگو، بدون سوی دیگر کامل نمی‌شود. سیاست‌گذار و قانون‌گذار نیز باید سازوکاری نهادمند برای دریافت، ارزیابی، پاسخ‌گویی و بازخورد مستدل به نسخه‌های بخش خصوصی ایجاد کنند.

اتاق مؤثر، مطالبه را از شرح مسئله آغاز نمی‌کند؛ از نسخه آغاز می‌کند، آن را به پیشنهاد سیاستی تبدیل می‌کند و تا ارزیابی نتیجه پی می‌گیرد.



فراخوان نو

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز

شنبه ۴ مهرماه ۱۴۰۵

امروز، اعتبار سخن اقتصادی باید با یک الزام تازه سنجیده شود؛ نخست نسخه، سپس تشریح مسئله. نه از آن رو که درمان بی‌نیاز از تشخیص است، بلکه از آن رو که اقتصاد ایران از انباشت تشخیص‌ها عبور کرده و پیش از هر زمان، به راه‌حل‌های قابل اجرا نیاز دارد.

از تاتاری‌های بودجه‌ای، بانکی و انرژی تا تورم مزمن و بی‌ثباتی ارزی؛ از فرسایش سرمایه، افت تشکیل سرمایه و کاهش بهره‌وری تا تنگنای تأمین مالی، ضعف رقابت‌پذیری، ناطمینیان سیاستی و اختلال در محیط کسب‌وکار؛ بخش مهمی از مسائل اقتصاد ایران بارها شناسایی، اندازه‌گیری و تحلیل شده‌اند. مسئله امروز، کمبود تشخیص نیست؛ کمبود نسخه‌هایی است که بتوان آن‌ها را اجرا کرد، آثارشان را سنجید و نسبت به نتایجشان پاسخ‌گو بود.

از این پس، سیاست‌گذار، قانون‌گذار، پژوهشگر، شکل و فعال اقتصادی، پیش از ورود دوباره به شرح مسئله، نسخه پیشنهادی خود را روی میز بگذارد؛ نسخه‌ای که منطق مداخله، ابزار سیاستی، متولی اجرا، زمان‌بندی، منابع، الزامات حقوقی، آثار مستقیم و غیرمستقیم، ریسک‌های اجرایی و شاخص ارزیابی نتیجه را روشن کند.

نسخه پیشنهادی باید دروازه ورود به گفت‌وگو باشد. اگر از حداقل معیارهای کارشناسی، قابلیت اجرا و سنجش‌پذیری برخوردار نباشد، بازگشت دوباره به شرح مسئله، ارزش افزودهای به گفت‌وگوی اقتصادی نمی‌افزاید.

ما منتظر نسخه درمان از همه تریبون‌ها و قلم‌ها هستیم.

تشخیص، پایه درمان است؛ اما در شرایط ویژه، اعتبار سخن اقتصادی باید از نسخه آغاز شود. شرح دوباره مسئله، بدون راه‌حل قابل اجرا و سنجش‌پذیر، دیگر نباید مبنای اعتبار در گفت‌وگوی اقتصادی قرار گیرد.



بازخورد؛
پیش از استمرار

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز

چهارشنبه ۸ مهرماه ۱۴۰۵

اگر در گفت‌وگوی اقتصادی، نسخه بر تشخیص، در اتاق ایران نسخه بر مطالبه و در سیاست‌گذاری سازوکار اثر بر ابلاغ تقدم پیدا می‌کند، در استمرار سیاست نیز باید بازخورد بر تداوم مقدم شود.

هیچ تصمیم اقتصادی نباید صرفاً به اتکای سابقه اجرا استمرار یابد. هر سیاست، از همان آغاز، باید دوره بازبینی، شاخص نتیجه، معیار اصلاح و امکان توقف یا جایگزینی خود را تعریف کند تا اجرای آن به فرآیندی بسته و غیرقابل بازگشت تبدیل نشود.

در شرایط ویژه، این ضرورت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا فاصله میان تصمیم و واقعیت می‌تواند در زمانی کوتاه افزایش یابد. از این رو، بازخورد باید بخشی از طراحی سیاست، نه گزارش پس از پایان آن باشد.

داده‌های حاصل از اجرا باید به چرخه تصمیم بازگردند و امکان اصلاح ابزار، تعدیل مقرر، بازتنظیم منابع یا توقف سیاست را فراهم کنند. در این چارچوب، سیاست‌گذاری از مسیر خطی "تصمیم، اجرا، عبور می‌کند و به چرخه تصمیم، اجرا، بازخورد، اصلاح" می‌رسد.

شرایط ویژه، قاعده سیاست‌گذاری را حذف نمی‌کند؛ فاصله تصمیم تا بازخورد و اصلاح را کوتاه‌تر می‌کند.

سیاستی که سازوکار اصلاح خود را از ابتدا پیش‌بینی نکند، در شرایط ویژه می‌تواند با استمرار خطای سیاستی، به تشدید هزینه‌ها و گسترش آثار ناخواسته منجر شود.



اجرا؛ ظرفیت پیش از تکلیف

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

یادداشت روز

شنبه ۷ مهرماه ۱۴۰۵

اگر در گفت‌وگوی اقتصادی، نسخه بر تشخیص، در اتاق ایران نسخه بر مطالبه و در سیاست‌گذاری سازوکار اثر بر ابلاغ تقدم پیدا می‌کند، در اجرا نیز باید ظرفیت نهادهی بر تکلیف مقدم شود.

هر سیاست اقتصادی، پیش از ورود به میدان اجرا، به ظرفیتی متناسب با مأموریت خود نیاز دارد. اختیار، مسئولیت، منابع، داده، زیرساخت، هماهنگی بین‌دستگاهی و زمان اجرا باید در یک تراز نهادهی قرار گیرند؛ وگرنه تکلیف، پیش از رسیدن به نتیجه، در فاصله میان مأموریت و امکان اجرا فرسوده می‌شود.

پیش از ایجاد هر تعهد، باید روشن شود چه نهادهی، به چه اختیاری، چه منابع و چه ظرفیت جذب و اجرا، مسئول تحقق نتیجه خواهد بود. شکاف میان تکلیف و ظرفیت، همان نقطه‌ای است که سیاست را از نتیجه دور می‌کند.

از این رو، ارزیابی قابلیت اجرا باید به یکی از پیش‌شرط‌های تصمیم اقتصادی تبدیل شود؛ ارزیابی‌ای که محدودیت‌های نهادهی، منابع موردنیاز، گلوگاه‌های اجرا و احتمال تحقق نتیجه را پیشاپیش آشکار کند.

نسخه‌ای که الزامات اجرایی آن فراهم نشده باشد، هرچند درست طراحی شده باشد، در مرز اجرا متوقف می‌ماند.

در حکمرانی اقتصادی، تکلیف زمانی اعتبار پیدا می‌کند که میان مسئولیت، اختیار، منابع و ظرفیت نهادهی، هم‌ترازی برقرار شود.

یک هفته با
بودجه سال ۱۴۰۶



یادداشت های روزانه

فرج الله معماری
فعال اقتصادی

www.ietclub.ir





پلاست شو

نمایشگاه صنعت پلیمر، پلاستیک، لاستیک، بازیافت و فناوری نوین

Plast show

Exhibition of Polymer, Plastics, Rubber, Recycling & Advanced Technologies

مرکز نمایشگاه و همایش بین المللی ایران مال

۱۴ الی ۱۷ مهرماه ۱۴۰۵ | 6 - 9 October 2026

Iran Mall International Exhibition & Conference Center

ساعت بازدید: ۱۰ الی ۱۸

Visiting Hours: 10 A.m - 6 P.m



محصولات



فناوری نوین



بازیافت

برگزارکننده:

سپانتاس کیش SEPANTAS KISH EXHIBITION

website: www.plastshow.ir
Tel/Fax: (+98-21) 8854 6619 - 21
Instagram: plastshow.ir